



The Qur'anic Approach to the Manifestation of Tawhid in the Ethics of Social Interaction with Emphasis on the Teachings of the Prophets*

Mahdieh Esprooz¹  Naser Nour-Mohammad²  Sayyed Ali-Akbar Hosseini-Ramandi³ 

1- Graduate of Level Four Program in Comparative Qur'anic Exegesis, Rokn al-Hoda Institute of Higher Education, Kerman, Iran (Corresponding Author).
m.sprooz@whc.ir

2- PhD Graduate Baqir al-Ulum University, Qom, Iran.
nasernor33@gmail.com

3- Assistant Professor, Research Institute of Culture and Qur'anic Teachings, Qom, Iran.
a.hoseini@isca.ac.ir



Abstract

The ethics of social interaction is a branch of applied ethics that plays a vital role in establishing and sustaining the social well-being of communities. Human sociability and the increasing complexity of social relations in the contemporary era have doubled the importance of how individuals communicate and interact with one another. The absence of an appropriate model of social interaction can lead to irreparable social harms and disorders. Clearly, any successful model of social interaction must be consistent with the monotheistic nature of

*Cite this article: Esprooz.M; Nour-Mohammad. N; Hosseini-Ramandi.A.A (2026). The Qur'anic Approach to the Manifestation of Tawhid in the Ethics of Social Interaction with Emphasis on the Teachings of the Prophets, Journal in Applied Ethics Studies, 4(82), 9-44.
<https://doi.org/1022081/jf.2025.72624.2077>

 **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 2025 /08/ 15 • **Revised:** 2025/ 10/ 30 • **Accepted:** 2025/ 11/ 02 • **Publishedonline:** 2026/ 02/14

humankind. Only the Creator, fully aware of the inner dimensions and subtleties of human existence, is qualified to provide a comprehensive and precise framework. The divine prophets are the exemplary models chosen by God to fulfill this significant mission. The present article seeks to examine Qur'anic statements in order to uncover a systematic ethical model that explains the manifestation of *tawhid* within the ethics of social interaction. To this end, a descriptive-analytical method with an inductive approach has been employed. The findings indicate that *tawhid* manifests itself—and simultaneously maintains a reciprocal relationship with—the ethics of social interaction within a processual system operating at three levels: the cognitive level (such as recognition of inherent human dignity and reliance on God), the emotional level (such as affection and empathy), and the behavioral level (such as responsibility, justice, and patience). This system ultimately provides a practical model for regulating social relations in contemporary society.

Keywords

Tawhid (Monotheism), Ethics, Social Interaction, Social Ethics, Prophets.





مقاربة القرآن الكريم لتجلي التوحيد في أخلاقيات المعاشرة الاجتماعية في ضوء تعاليم الأنبياء*

■^۱ مهديه اسپروز ■^۲ ناصر نورمحمد ■^۳ سيدعلی اکبر حسینی رامندی

۱- حاصلة على المستوى الرابع في فرع التفسير المقارن، معهد ركن الهدى للتعليم العالي، کرمان، إيران (الكاتبة المسؤولة)

m.sprooz@whc.ir

۲- حاصل على الدكتوراه، جامعة باقر العلوم، قم، إيران

nasernor33@gmail.com

۳- أستاذ مساعد في معهد الثقافة والمعارف القرآنية، قم، إيران

a.hoseini@isca.ac.ir

الملخص

تعدّ أخلاقيات المعاشرة فرعاً من فروع الأخلاق التطبيقية، ولها دور أساس في بناء الصحة الاجتماعية للمجتمع والحفاظ عليها. لقد ضاعفت طبيعة الإنسان الاجتماعية وتعدّد العلاقات الاجتماعية في العصر الحديث، من أهمية الاهتمام بأنماط التواصل مع الآخرين وكيفيةها. من جانب آخر، فإن غياب نموذج تواصل مناسب قد يتسبب في حدوث أزمات واختلالات اجتماعية بالغة الخطورة، يصعب تلافي آثارها. من البديهي أن أي نموذج ناجح للتواصل

***الاستناد إلى هذه المقالة:** اسپروز، مهديه؛ نورمحمد، ناصر؛ حسینی رامندی، سيدعلی اکبر (۲۰۲۶). مقاربة القرآن الكريم لتجلي التوحيد في أخلاقيات المعاشرة الاجتماعية في ضوء تعاليم الأنبياء. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۴(۸۲)، صص ۹-۴۴.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.72624.2077>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۵/۰۸/۱۵ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۱۰/۳۰ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۱۱/۰۲ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۶/۰۲/۱۴



الاجتماعي لا بد أن يكون منسجما مع بنية الإنسان الفطرية التوحيدية. بما أن الله تعالى هو الأعلّم بأسرار الإنسان ودقائق وجوده، فهو القادر الوحيد على صياغة نموذج أخلاقي جامع ودقيق له؛ ولذلك، قد اختار الله سبحانه الأنبياء كنماذج للقيام بهذه الرسالة الجليلة. تأسيسا على ذلك، فإن هذه الدراسة تهدف إلى تقصي الآيات القرآنية، بغية الكشف عن نموذج أخلاقي منهجي، كإطار نسقي لاستكشاف تجلي التوحيد في ميدان أخلاقيات المعاشرة، وذلك من خلال المنهج الوصفي - التحليلي، وبالاعتماد على المقاربة الاستقرائية. أظهرت نتائج الدراسة أن تجلي التوحيد وعلاقته التبادلية مع أخلاقيات المعاشرة يتمّ ضمن نظام إجرائي متكامل، يتحقّق على ثلاثة مستويات: المستوى المعرفي، كالمعرفة بالكرامة الذاتية والتوكل، والمستوى الوجداني كالمحبة والتعاطف، والمستوى السلوكي كالمسؤولية الاجتماعية والعدالة والصبر، ويقدم نموذجا عمليا لتنظيم العلاقات الاجتماعية في مجتمعنا الراهن.

الكلمات المفتاحية

التوحيد، الأخلاق، المعاشرة، أخلاقيات المعاشرة، الأنبياء.





رویکرد قرآن کریم به تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی با تکیه بر تعالیم انبیا*

مهدیه اسپروز^۱ ناصر نورمحمد^۲ سیدعلی اکبر حسینی رامندی^۳

۱- دانش آموخته سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی رکن الهدی، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).

m.sprooz@whc.ir

۲- دانش آموخته دکتری دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

nasernor33@gmail.com

۳- استادیار پژوهشگاه فرهنگ و معارف قرآن، قم، ایران.

a.hoseini@isca.ac.ir

چکیده

اخلاق معاشرت، یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی است و نقش حیاتی در ایجاد و حفظ سلامت اجتماعی جامعه دارد. ویژگی اجتماعی بودن انسان و پیچیدگی مناسبات اجتماعی در عصر کنونی، اهمیت توجه به شیوه و نوع ارتباط با دیگران را دوچندان کرده است. نبود الگوی ارتباطی مناسب می‌تواند آسیب‌ها و معضلات اجتماعی جبران‌ناپذیری را رقم بزند.

***استناد به این مقاله:** اسپروز، مهدیه؛ نورمحمد، ناصر؛ حسینی رامندی، سیدعلی اکبر (۱۴۰۴). رویکرد قرآن کریم به تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی با تکیه بر تعالیم انبیا. مطالعات اخلاق کاربردی، ۴ (۸۲)، صص ۹-۴۴.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.72624.2077>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۴ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۰۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵





بدیهی است که یک الگوی ارتباط اجتماعی در صورتی موفق است که با ساختار فطرت توحیدی انسان هم‌سو باشد. تنها خالق انسان که عالم به اسرار و ظرایف وجودی اوست، شأنیت تدوین الگویی جامع و دقیق را دارد. انبیای الهی الگویی‌های هستند که خداوند برای انجام این رسالت خطیر برگزیده است. هدف مقاله حاضر، واکاوی گزاره‌های قرآن کریم برای کشف الگوی روشمند اخلاقی، به‌عنوان چهارچوبی نظام‌مند برای تبیین تجلی توحید در اخلاق معاشرت است. بدین‌منظور از روش توصیفی تحلیلی با رویکرد استقرایی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق، بیانگر تجلی توحید و ارتباط دوسویه آن با اخلاق معاشرت در یک نظام فرایندی است که در سه سطح شناختی (مانند معرفت به کرامت ذاتی و توکل)، عاطفی (مانند محبت و همدلی) و کنشی (مانند مسئولیت‌پذیری، عدالت و صبر) در اخلاق معاشرت اجتماعی تجلی می‌یابد و الگویی عملی برای تنظیم روابط اجتماعی در جامعه معاصر ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

توحید، اخلاق، معاشرت، اخلاق معاشرت، انبیا.

مقدمه

اخلاق معاشرت، یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی است که به بررسی رفتارها، ملکات و هیئات نفسانی انسان در ارتباط با دیگران در حوزه‌ای خاص می‌پردازد. این نوع اخلاق در صورتی نقش حیاتی در ایجاد سلامت اجتماعی جامعه دارد که منشأ و مبدأ آن، توحید و خداباوری باشد.

از نگاه قرآن کریم، زندگی انسان در این دنیا به دو گونه هدفی و وسیله‌ای تقسیم می‌شود. منشأ این تقسیم، تفاوت نگرش و باور انسان به آفریننده هستی است. هدف اصلی در زندگی هدفی، انسان است و زندگی، پاسخ‌دهی به تمایلات حیوانی، لذات، فزون‌خواهی مادی، منفعت‌طلبی، مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی است؛ چنان که خدای متعال می‌فرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾؛ «بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است» (حدید، ۲۰). بدون تردید، این زندگی در تضاد با نظام حکیمانه آفرینش و به معنی نادیده‌انگاشتن حق و عدالت جاری و ساری در جهان هستی است.

در زندگی وسیله‌ای، زندگی، وسیله‌ای است برای رسیدن به هدفی والا و آن عبارت است از همراهی و هم‌سویی با اهداف اساسی آفرینش، پیروی از قوانین الهی و مطابقت با فطرت توحیدی انسان در مسیر باریابی به کمال و تعالی برای دستیابی به مقام جانشینی خدا. این گونه زندگی، تنها در پرتو اخلاق اجتماعی انبیای الهی دست‌یافتنی است. نقش محوری توحید در تفاوت چشمگیر گونه‌های زندگی قبایل و اقوام عصرهای پیش و پس از بعثت انبیای الهی به‌خوبی مشهود است.

بررسی دو گونه زندگی هدفی و وسیله‌ای، در واقع مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اخلاق معاشرت را تبیین، و انگیزه معاشرت و چهارچوب ارزشی حاکم بر روابط را در دو دستگاه اخلاقی توحیدمحور و سکولار تعیین می‌کند.





پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که در آموزه‌های قرآنی، تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی، در سه سطح شناختی (باورها)، عاطفی (گرایش‌ها) و کنشی (رفتارها) صورت‌بندی شده (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۶۶) و ساختاری بدیع برای معاشرت اجتماعی اخلاق‌مدار در یک الگوی سه‌بعدی یکپارچه پدید آورده است؛ ساختاری که در زیست اجتماعی انبیای الهی انعکاس یافته است. همچنین، پژوهش پیش رو، پاسخ‌گوی سه پرسش اساسی زیر است:

- رویکرد شناختی قرآن کریم به تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی با تکیه به تعالیم انبیا چگونه است؟

- رویکرد عاطفی قرآن کریم به تجلی توحید در اخلاق معاشرت با تکیه به تعالیم انبیا چگونه است؟

- رویکرد کنشی قرآن کریم به تجلی توحید در اخلاق معاشرت با تکیه به تعالیم انبیا چگونه است؟

درباره پیشینه پژوهش می‌توان به دو دسته پژوهش شامل کتاب و مقاله اشاره کرد. کتاب‌ها عبارت‌اند از:

- کتاب اخلاق معاشرت، نوشته جواد محدثی (۱۳۸۶): نویسنده، با تتبع در روایات اخلاقی، آداب معاشرت اسلامی را به صورت کلی با ذکر فضایل و رذایل اخلاقی تبیین کرده است؛

- کتاب آداب معاشرت و اخلاق اجتماعی، اثر محمد باقری (۱۳۹۰): نویسنده به ذکر مباحث کلی درباره شخصیت امام خمینی علیه السلام، آداب فردی و اجتماعی معاشرت اسلامی و اخلاق اجتماعی از دیدگاه ایشان پرداخته است؛

- کتاب اخلاق اجتماعی، نوشته محمدباقر تحریری (۱۴۰۱): نویسنده، با تأکید بر لزوم زندگی اجتماعی برای انسان، اخلاق اجتماعی را به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌کند. وی آن دسته از ارزش‌های اخلاقی مانند اقتصاد، تعلیم و تربیت، تواضع، خیرخواهی، عدالت و حلم را که در حیطه خاصی از ابعاد زندگی اجتماعی انسان بررسی می‌شود، اخلاق اجتماعی خاص دانسته و به تبیین مفهومی و راهکار ایجاد این قسم پرداخته است.



تاکنون درباره ارتباط توحید و اخلاق اجتماعی، کتابی نوشته نشده است؛ تنها پژوهش انجام شده، کتابی است با نام *توحید اجتماعی با تأکید بر قرآن و اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای*، نوشته محمد عرب صالحی و فریده پیشوایی (۱۴۰۴). در این کتاب، نویسندگان کوشیده‌اند با استناد به آیات قرآن و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، اثبات کنند توحید در ذات خود، سویه‌های اجتماعی فراوانی دارد. تبیین ماهیت، مؤلفه‌ها و کارکردهای توحید اجتماعی از اهداف مهم این پژوهش است. اما مقاله‌هایی که درباره این موضوع نوشته شده، عبارت‌اند از:

- «تأثیر اعتقاد به توحید در خالقیت، بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح‌یزدی»، نوشته طاهره حاجی‌رحیمی و محمدعلی محیطی‌اردکان (۱۴۰۱): این نوشتار در مقام بیان چگونگی تأثیر توحید خالق بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح در بینش و گرایش است. جهت‌دهی به لذت‌ها، گرایش به سوی کمال‌نهایی و ارتباط آن با کمال‌جویی انسان، گرایش به رفتارهای اجتماعی مثبت و در نهایت، توجه به تأثیر آن در برخی مصادیق مانند اخلاق بینشی و گرایشی و رفتاری از دیگر مباحث این پژوهش است؛

- «جایگاه اخلاق اجتماعی و خانوادگی در صحیفه سجاده»، نوشته عبدالله حسینی (۱۳۹۸): در این مقاله جایگاه و اصول اخلاق اجتماعی و خانواده با تأمل در ادعیه صحیفه سجاده بررسی شده است.

هیچ‌یک از این مقاله‌ها به موضوع رویکرد قرآن کریم به تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی بر اساس تعالیم انبیا نپرداخته‌اند. در مقاله حاضر با نگاهی جامع، نظام‌مند و نو، تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی، در سه سطح بررسی و تحلیل شده است. پژوهش پیش رو به روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد استقرایی و تجزیه و تحلیل با تکنیک تحلیل مضمون، به واکاوی آیات و روایات مرتبط با سیره معاشرتی انبیا می‌پردازد. بر پایه این تحلیل، الگوی سه‌سطحی «شناختی، عاطفی و کنشی» به عنوان چهارچوبی نظام‌مند برای تبیین تجلی توحید در اخلاق معاشرت استخراج می‌شود. گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای



است. گستره پژوهش، آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیهم السلام و متون دست اول تفسیری و اخلاقی مربوط به سیره معاشرتی انبیاست. الگوی ارائه شده، نه تنها رابطه عمیق بین باور توحیدی و رفتار اجتماعی را در سیره انبیا تبیین می کند، بلکه گفتمان کاربردی سازی این سیره را در حل مسائل اخلاق اجتماعی معاصر تقویت می کند. مراحل انجام این پژوهش عبارت است از: شناسایی و تجزیه و تحلیل آیات و روایات معطوف به مؤلفه های توحیدی و اخلاقی؛ دسته بندی و تبیین یافته ها در چهارچوب نظام مند سه گانه؛ کشف رابطه علی و معنادار باور توحیدی و رفتار اخلاقی در سیره انبیا؛ و استخراج الگوهای کاربردی از آن برای جامعه امروز.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. توحید

توحید به معنی ایمان به یگانگی خدا و نفی شریک برای اوست (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ص ۲۸۰).

۱.۲. اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی، مجموعه ای از رفتارها و اخلاقیات مرتبط با کیفیت معاشرت با مردم (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۵: ص ۵۰) و تعامل ارادی انسان با دیگران بر اساس حکمت الهی و بایدها و نبایدهاست که موجب سعادت فرد و جامعه می شود (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۸۹۱). اخلاق اجتماعی، انسان را به رعایت فضیلت هایی در رفتار با دیگران از قبیل ادب، احترام، انصاف (طبرسی، بی تا، ج ۱: ص ۴۸۱)، عدالت، مهرورزی و احترام متقابل وادار می کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۵: ص ۵۰).



۳.۱. جایگاه توحید در اخلاق اجتماعی

توحید (اساسی‌ترین اصل اعتقادی در اسلام) تنها یک باور نیست، بلکه چهارچوب جامع شناختی است که همه معارف قرآنی از جمله اخلاق را در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ص ۵۰).

توحید، زیربنای اخلاق برای دستیابی به قرب خدای متعال است؛ به همین دلیل، اعتقاد به توحید، جهان‌بینی توحیدی را شکل می‌دهد و ایدئولوژی توحیدی، دستاورد این جهان‌بینی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: صص ۲۵-۲۶). اعتقاد به توحید یا شرک نه تنها مبانی نظری دارد، بلکه مبانی نظری آن در تمام شئون عملی انسان نیز جاری است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰).

از منظر قرآن، ماهیت، مبنا و غایت تعالیم اخلاق اجتماعی اسلامی با اخلاق سکولار متفاوت است. مبنای اخلاق اجتماعی قرآن‌بنیان، توحید و اراده و حکمت الهی است، نه صرفاً تأمین منافع مادی یا اجتماعی؛ همچنین، عبودیت خداوند و کسب رضایت او در تمام وجوه مد نظر است؛ در آیه ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات، ۵۶)، این هدف تصریح شده است؛ بنابراین، حتی اعمال اجتماعی نیکو مانند کمک به دیگران، زمانی ارزش حقیقی می‌یابند که در مسیر این غایت و برای تقرب به خدا انجام شوند.

توحید و اخلاق اجتماعی، دارای ارتباطی دوسویه و حیاتی، از نوع رابطه علی و معلولی طولی هستند. از یک سو، توحید پایه نظری و انگیزشی و نیازی فطری برای همه انسان‌هاست (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۲، ص ۶۴۹) و از سوی دیگر، زیربنای مستحکمی برای اخلاق اجتماعی است و اخلاق را از سطحی‌گرایی و منفعت‌طلبی محض می‌رهاند؛ زیرا در نظام اخلاقی اسلام، خدا منبع مطلق همه ارزش‌ها و منشأ رفتار اخلاقی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ص ۱۱۴).

اخلاق اجتماعی تجلی‌یافته در رفتار انسان موحد، عینی‌ترین نمود باور توحیدی است که ضمن تقویت ایمان فردی، به‌مثابه مؤثرترین ابزار تبلیغ دین، جامعه را به‌سوی توحید



سوق می‌دهد؛ از این رو، انبیا دعوت خویش را از سامان بخشی به باورها آغاز می‌کنند و توحید جوهره رسالت آسمانی آنان بوده است (محمود، بی تا، ص ۸۰). این ارتباط متقابل، هسته مرکزی سبک زندگی انبیا و اولیای الهی را تشکیل می‌دهد؛ قرآن کریم، این سبک زندگی را بهترین الگو معرفی کرده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب، ۲۱). بر اساس مضمون این آیه و آیات مانند آن، هدایت اجتماعی و تکامل جوامع بشری، مهم ترین هدف فرستادگان الهی است.

با توجه به این نکته که انبیا الگوهای اخلاقی بشر هستند، بدیهی است الگوپذیری از آنان نیز از وظایف مهم جوامع بشری محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳). تجلی توحید در رفتار و سبک زندگی انبیا و پیروان آنان، از وجوه تمایز نظام اخلاقی اسلام با دیگر مکاتب اخلاقی است.

۲. ساختار سه سطحی فرایندمحور تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی با تکیه بر تعالیم انبیا

رابطه طولی بین انسان و خدا، رابطه‌ای علّی و معلولی را بین اعتقادات، گرایش‌ها (عواطف) و رفتارهای انسان (کنش‌ها) ایجاد می‌کند. این ارتباط هدفمند، مستلزم به وجود آمدن یک ساختار نظام‌مند فرایندی است. فرایند یعنی مجموعه عملکردها و مراحل لازم برای رسیدن به یک هدف مشخص (معین، ۱۳۸۱، مدخل فرایند).

در این پژوهش، منظور از نظام فرایندی، ارتباط تنگاتنگ بین مراحل اعتقاد به توحید، گرایش به آن و رفتار توحیدی است که بر اساس تعریف پیش گفته، هر مرحله به ترتیب، طی یک ارتباط طولی، بر مرحله بعدی تأثیر می‌گذارد و مجموع این مراحل، انسان را در رسیدن به قرب الهی (هدف غایی اخلاق) و سعادت یاری می‌کنند.

این پژوهش با الهام از آیات قرآن کریم و تعالیم انبیا، الگویی فرایندی برای تجلی توحید در اخلاق معاشرت، در سه سطح به هم پیوسته شناختی، عاطفی و کنشی پیشنهاد می‌کند.



این الگو نشان می‌دهد که چگونه باور توحیدی از مرحله شناخت و ادراک آغاز می‌شود، به احساس و عاطفه می‌انجامد و در نهایت، در رفتار و عمل اجتماعی فرد متجلی می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۵۶۲ و ج ۲: صص ۱۰۹-۱۱۶). این سطوح مجزا نیستند، بلکه بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و در نهایت، یک نظام اخلاقی یکپارچه و توحیدمدار را شکل می‌دهند. اخلاق توحیدمحور در این منظومه، به معنی مجموعه‌ای از بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌هایی است که از ایمان به خدا سرچشمه می‌گیرد و غایت آن جلب رضایت اوست؛ بنابراین، این سه سطح، ارتباطی طبیعی با یکدیگر دارند و هریک دیگری را تقویت می‌کند. بدون بینش صحیح، عاطفه و عمل جهت‌دار نخواهد بود و بدون عمل، عاطفه و بینش، تأثیر اجتماعی خود را از دست می‌دهند.

۱.۲. رویکرد قرآن کریم درباره تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی در سطح شناختی با تکیه بر تعالیم انبیا

شناخت، درک و دریافت چیزی از روی اثر آن با اندیشه و تدبّر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۱) و خود نیز یک فرایند است؛ به فرایندهای درونی ذهن یا شیوه‌های پردازش اطلاعات اطلاق می‌شود و افراد از طریق این فرایندها با کمک ابزارهای شناخت، شامل گوش، چشم و قلب^۱، به خودآگاهی و بینش درباره محیط و جهان دست می‌یابند (کاویانی و پناهی، ۱۳۹۵، ص ۷۹). در این پژوهش، سطح شناختی یعنی شکل‌گیری بینش توحیدی درباره خدا، خود و دیگران^۲ که پایه نظری اخلاق معاشرت است. به باور معتقدان به توحید، خداوند، خالق و رب و مالک همه موجودات است. در واقع، باورهای او بر نوع نگرش او بر سایر مسائل نظری تأثیرگذار است و رابطه علی و معلولی بین آنها برقرار است. اعتقاد به توحید، علت است و تغییر نگرش، معلول (حاجی رحیمی و محیطی اردکانی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۰).

۱. ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء، ۳۶).

۲. ﴿سُتْرِبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ﴾ (فصلت، ۵۳).



فرد معتقد، با باور به خالقیت خدا، می‌پذیرد که تمام موجودات، مخلوق یک خدا هستند و با باور به ربوبیت خدا^۱، می‌پذیرد که تدبیر انسان و جهان به دست اوست. این شناخت موجب احساس مسئولیت در قبال تمام بندگان خدا می‌شود. همچنین، با باور به مالکیت خدا^۲، انسان می‌آموزد که تمام مواهب اجتماعی، امانتی الهی هستند و باید در مسیر رضای او و خدمت به خلق به کار گرفته شوند؛ فرد در نتیجه این شناخت، دیگران را نه رقیب، بلکه مخلوقات خدا می‌بیند، به ارزش عمل معرفت پیدا می‌کند و زیرساختی ضروری برای تحول در دو بُعد عاطفی و کنشی فراهم می‌آورد. قرآن کریم با تکیه بر تعالیم انبیای الهی، تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی در سطح شناختی را در محورهای زیر بیان کرده است:

۲.۱.۱. معرفت به کرامت ذاتی انسان

کرامت، گرمی داشتن خود و تنزیه نفس از بدی هاست (فراهِیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۳۶۹). رویکرد توحیدی به کرامت انسان، نگاهی فراتر از مبانی صرفاً فلسفی یا اومانیستی دارد. از این منظر، منشأ کرامت انسان، انتساب او به خداوند و نفخه روح الهی در اوست: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (حجر، ۲۹). این کرامت، ذاتی، عام و غیراکتسابی است و همه انسان‌ها از هر دین، نژاد یا موقعیت اجتماعی، به‌طور برابر از آن برخوردارند؛ چنان‌که آیه ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ﴾ (حجرات، ۱۳) به آن تصریح دارد. این معرفت توحیدی، پایه‌ای استوار برای عدالت، برابری و احترام در تمامی روابط اجتماعی فراهم می‌آورد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵: ص ۴۰۴) و هرگونه تبعیض، تحقیر یا برتری‌جویی را نفی می‌کند. تجلی این نگرش در سیره انبیا، به‌عنوان الگوهای توحیدی، احترام به کرامت حتی مخالفان و گناهکاران بود؛ چنان‌که قرآن کریم حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را الگوی عملی رعایت کرامت ذاتی در سخت‌ترین شرایط معرفی می‌کند. ایشان در چاه، در بازار

۱. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (حمد، ۱).

۲. ﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾ (ناس، ۲).



برده‌فروشان، در دربار عزیز مصر و در زندان، کرامت انسانی خود و دیگران را حفظ کرد و با رفتاری محترمانه (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ص ۱۷۰)، حتی با مستخدمان زندان^۱ و با رد درخواست ناشایست بانوی دربار، درس عزّت و کرامت نفس را به جامعه آموخت.

همچنین، رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با غلام خود، زید بن حارثه، نشان‌دهنده توجه ایشان به حفظ کرامت دیگران است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله زید را به پسرخواندگی برگزید و دخترعمه خود زینب (دختر جَحْش) را که از زنان آزاده و نام‌دار قریش بود، به ازدواج او درآورد و او را در جنگ موته به فرماندهی لشکر اسلام منصوب کرد (انصاریان، بی‌تا، ج ۵: ص ۲۸۶). معرفت به کرامت ذاتی انسان، در فضاها و نظام‌های مختلف جامعه معاصر نیز کاربردی و قابل ترویج است:

- در نظام‌های آموزشی: می‌توان با گنجانیدن دروس «مهارت احترام» و «حقوق ذاتی انسان» در برنامه درسی، از دوران کودکی این الگوی قرآنی را در بین نسل جدید ترویج داد؛

- در فضاها عمومی: ترویج فرهنگ «تکریم ارباب رجوع» در ادارات و «احترام به مشتری» در کسب و کارها به عنوان یک ارزش دینی (نه فقط برای جذب مشتری یا بهره‌مندی از تعریف و تمجید و ارتقای رتبه)؛

- در قانون‌گذاری: تقویت قوانینی که تحقیر و توهین به افراد را به‌ویژه در فضای مجازی منع می‌کنند.

بنابراین، رابطه کرامت ذاتی انسان و باور توحیدی، رابطه‌ای ساختاری و عمیق است که با بیان تفاوت‌های انسان‌ها در مواهب و توانایی‌ها، آن را هم لازمه زندگی اجتماعی و هم وسیله‌ای برای امتحان انسان‌ها معرفی می‌کند (پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۷، ج ۲: ص ۸۵). باور به توحید، به کرامت انسان قداست و ثبات می‌بخشد. این باور، اخلاق

۱. ﴿يَا صَاحِبِ السُّجْنِ﴾ (یوسف، ۳۹).



معاشرت را به عبادتی اجتماعی تبدیل می‌کند که در آن همه انسان‌ها شایسته احترام‌اند، تبعیض و ظلم در حق آنان شایسته نیست، عدالت و انصاف در مواجهه با آنان سزاوار است و مسئولیت‌پذیری فردی و جمعی تقویت می‌شود.

۲.۱.۲. معرفت به توکل توحیدمحور

توکل، اعتماد و اطمینان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۲) به خدا در هر امری است (فیومی، بی‌تا، ص ۶۷۰). در نظام توحیدی، به معنی واگذاری امور به خداوند پس از به‌کارگیری تمام اسباب و تلاش ممکن است (مجتبوی، ۱۳۷۷، ج ۳: ص ۲۸۵). این مفهوم، تجلی عملی ایمان به توحید افعالی است؛ یعنی باور به اینکه هر مؤثری در جهان، در نهایت به اراده خداوند است. این نگرش، منشأ کاملاً الهی دارد و در آیاتی مانند ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (مائده، ۲۳)، توکل به صراحت نشانه ایمان معرفی شده است.

پیوند توکل با اخلاق معاشرت و توحید اجتماعی در این است که انسان متوکل، خود را بنده هیچ قدرتی جز خدا نمی‌داند. این بینش، به‌عنوان یک فرایند ذهنی عمل می‌کند که بر اساس آن، جهان‌بینی و در نتیجه، رفتارهای اجتماعی فرد در حوادث، رویدادها و مشکلات تغییر می‌کند. آزادی درونی حاصل از این بینش، جرئت اخلاقی برای ایستادگی در برابر ظلم، دفاع از مظلوم و گفتن حق را به او می‌بخشد، بدون ترس از تهدید و قدرت‌های مادی؛ همان‌گونه که حضرت هود علیه السلام هنگامی که از سوی قوم بت‌پرست خود تهدید به مرگ شد، توکل به خدا، قدرتی به او داد که در مواجهه با آنان بدون هیچ ترسی گفت: ﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ﴾ (هود، ۵۶) و بدین ترتیب، مسئولیت هدایت جامعه خود را پذیرفت و در برابر انبوه مخالفان ایستاد. این گونه رفتار، جز از کسانی که به یاری و پشتیبانی خدا اطمینان دارند و می‌دانند خداوند آن‌ها را از شر دشمنان نگاه می‌دارد، سر نمی‌زند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ص ۲۵۹).



نقش چشمگیر توکل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواجهه با مخالفت کافران و در مشکلات سخت، چه در آغاز بعثت (**﴿قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾** (زمر، ۳۸)) و چه در اواخر بعثت (**﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾** (توبه، ۱۲۹))، بیانگر بی‌اثری قدرت ناچیز بندگان در برابر مظهر بی‌نظیر توکل است. تقدم «علیه» بر متعلق خود در آیه، به انحصار توکل متوکلان بر خدا دلالت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ص ۲۶۶) که الگویی برای رهبران و مصلحان اجتماعی است.

با این بیان، توکل فردی باعث کاهش ترس، (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ص ۵۰)، رفع حزن و اندوه (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ص ۱۸۲)، استقامت ایمان (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۴۲۹)، امیدواری (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۶)، عمل صالح و رفتار نیک (مغویه، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ص ۱۱۸)، آرامش درونی (مجتبوی، ۱۳۷۷، ج ۳: ص ۲۷۶)، ایشار، عفو و آمرزش (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹: ص ۵۰۹) و پایه‌ای برای شکل‌گیری یک اجتماع قوی، عدالت‌خواه (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹: ص ۵۰۹) و مستقل می‌شود که هیچ زورگو و طاغوتی را به رسمیت نمی‌شناسد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۹: ص ۱۲۰). در بُعد کاربردی، تربیت انسان‌های متوکل، جامعه‌ای را می‌سازد که در مواجهه با مشکلات و دشمنان، بر روحیه استقامت، امید و اتکای جمعی استوار است، نه بر یأس، ترس و خودباختگی. معرفت به توکل توحیدمحور، رویکردی کاربردی و قابل ترویج در جامعه معاصر ایجاد می‌کند:

- در سبک زندگی فردی: ترویج فرهنگ توکل فعال (به‌جای تسلیم منفعلانه در برابر مشکلات)؛ یعنی تلاش حداکثری و واگذاری نتیجه به خدا؛
- در مدیریت اجتماعی: تربیت مدیران و کارآفرینانی که با توکل بر خدا، شجاعت تصمیم‌گیری‌های اخلاقانه و خطرپذیری برای پیشرفت جامعه دارند و بدون وابستگی به زورگویی یا رانت عمل می‌کنند؛



- در رسانه: ساخت برنامه‌های رسانه‌ای که الگوهای توکل را در قالب داستان‌های جذاب برای نسل جوان روایت می‌کنند.

بنابراین، فرد متوکل، تمام تلاش و تخصص خود را برای انجام فعالیت مرتبط و انجام وظیفه به کار می‌گیرد و اگر در مسیر انجام آن، بحران و اتفاقات غیرمنتظره‌ای پیش آید، دچار اضطراب و تصمیم‌های احساسی نمی‌شود؛ چون توکلش به خداست و همچنان با وجود مشکلات، امیدوار است و این همان رفتار عقلانی و اخلاقی است که از توکل نشئت می‌گیرد.

۲. رویکرد قرآن کریم به تجلی توحید در سطح عاطفی با تکیه بر تعالیم انبیا

عاطفه به معنی احساس، دل‌سوزی (فراهِیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۱۸)، مهر و محبت است (معین، ۱۳۸۱)، مدخل عاطفه). منظور از عاطفه، همان توجه و میل چیزی به چیز دیگر است، نه به صورت مطلق. کسی که واسطهٔ دستیابی انسان به سعادت می‌شود، مورد عطف و محبت قرار می‌گیرد. اثر عواطف، به لذت از دیدن و مصاحبت منحصر نیست؛ چه بسا فرد، با کسی که در حالت عادی احساسی به او ندارد، در حالت بیماری و گرفتاری او، هم‌دردی می‌کند. این حالت، یک میل فطری و طبیعی است که خدا در او قرار داده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲: صص ۲۸۳-۲۹۰). در این پژوهش، منظور از سطح عاطفی، تبدیل بینش حاصل از سطح شناختی توحید به میل درونی و انگیزه‌ای قلبی برای عمل است که محرک رفتار اخلاقی است و با بُعد فرابدنی خود یعنی قلب که مرکز حیات و عواطف و ایمان انسان است، ارتباط دارد (نصرتی، ۱۳۹۶، ص ۸۸).

در تقسیم عواطف به مثبت و منفی باید دانست یکی از فضایل اخلاقی انبیا و اولیای الهی این است که به هیچ موجودی احساس و عاطفهٔ منفی ندارند. البته همهٔ عواطف منفی، عارضی و بر اثر عوامل بیرونی مثل محیط، فرهنگ و تربیت است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلیل اینکه مسیحیان نجران، اسلام را نپذیرفتند، «علاقه به صلیب، شرب خمر و گوشت خوک» دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ص ۳۹).



اعتقاد به توحید، جنبه مثبت عواطف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تقویت و تضعیف عواطف فطری، اختیاری است؛ به همین دلیل، هرچند عواطف در اصل فطری هستند، با توجه به ابعاد اختیاری (خود، تربیت و...)، در دایره اخلاق و امور ارزشی قرار می‌گیرند. در اسلام ملاک یک عمل، انگیزه الهی در انجام آن است؛ مثلاً سخاوت وقتی برای خدا نباشد، انسان را وارد بهشت نمی‌کند، ولی عذاب او را کم می‌کند؛ زیرا شرط ورود به بهشت، ایمان به خدا و اخلاق و رفتاری است که سرچشمه‌اش ایمان به او باشد تا سعادت را در بهشت برای انسان فراهم کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲: صص ۲۹۱-۲۹۲).

افزون بر این، گرایش، انگیزه و عاطفه به سمت عمل صالح است؛ زیرا تمامی گرایش‌های انسانی، محصول گرایش به هدف اصلی (یعنی «قرب الی الله») و در طول گرایش به خدا هستند و سایر انگیزه‌ها در طول آن به وجود می‌آیند. چنین گرایش‌هایی عبارت‌اند از: حب ذات و گرایش به عدالت، حقیقت و کرامت. سلسله‌مراتب انگیزه‌ها نیز تابع سلسله‌مراتب نیازها و گرایش‌هاست. این انگیزه عمیق، قدرت روحی زیادی را برای نیل به کمال در انسان به وجود می‌آورد، انسان را برای حرکت در مسیر رشد و تعالی برمی‌انگیزد و در وی انگیزه رفتاری خاصی ایجاد می‌کند (ر.ک: مصباح‌یزدی، ۱۳۸۲، صص ۹-۶۴).

از این رو، در نظام فرایندی اخلاق توحیدی، اولین سطحی که بعد از سطح شناختی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، سطح عاطفی است؛ زیرا به گفته فیض کاشانی (۱۴۱۵ق، ج ۸: ص ۱۷)، «محبت تنها پس از معرفت و ادراک، قابل تصوّر است؛ چه انسان کسی را که نمی‌شناسد، دوست نمی‌دارد».

در این سطح، عواطف فرد عامل لذت و سعادت اوست؛ پس فرد معتقد به توحید، بعد از شناخت حقیقی خدا از طریق آیاتی چون «وَالْهَکُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ» (بقره، ۱۶۳)، رابطه‌ای قلبی و عاطفی با خدا برقرار می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره، ۱۹۵). اعتقاد به توحید، از راه عواطفی که به قرب الهی گرایش دارند، رفتارهای اخلاقی را در جهت رسیدن به این هدف تنظیم می‌کند.



در این حالت، خبری از شناخت عقلانی محض نیست، بلکه سطح عاطفی، باور توحیدی فرد را از شناخت خشک عقلی به انگیزه و تحریک برای انجام رفتار اخلاقی تبدیل می‌کند. در این پژوهش، با استناد به آیات قرآن کریم و با تکیه بر تعالیم انبیای الهی، تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی در سطح عاطفی، محبت و همدلی، به‌عنوان یکی از بارزترین جلوه‌های عاطفی قلب، در معاشرت انبیا بیان شده است:

۱.۲.۲. محبت و همدلی توحیدمحور

«مَحَبَّة»، از «حَبَّ»، یعنی عشق، دوست داشتن، مودّت (دهخدا، ۱۳۷۷، مدخل محبت) و خواستن و تمایل به چیزی که خیر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۴). در اصطلاح اخلاقی، ملکه نفسانی است که انسان را به‌سوی محبوب می‌کشاند و باعث لذت از نزدیکی به او و تألم از دوری او می‌گردد (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۲). همدلی، پاسخ عاطفی حاصل از درک یا فهم وضعیت یا شرایط عاطفی و هیجانی دیگران است (حلبی، ۱۳۶۶، مدخل همدلی).

مطابق برخی از آیات قرآن، چون ﴿يَحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (مائده، ۵۴)، حب یک رابطه وجودی و ذاتی، و حقیقتی است که در تمام موجودات عالم جریان دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۶۲۱).

محبت توحیدمحور، محبتی است که منشأ آن، خداوند است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸: صص ۶۵-۷۶)؛ چنان که در داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: ﴿وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي﴾ (طه، ۳۹) و هدف آن نیز تقرب به خداست.

این محبت، از علاقه‌های طبیعی و غریزی فراتر رفته و به یک ارزش اخلاقی الهی، به‌عنوان معیار انسانیت، تبدیل می‌شود (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۲۳۲) که همه انسان‌ها را به‌عنوان مظاهر تجلی خداوند یا مخلوقات او در بر می‌گیرد و حتی بر عدالت هم برتری پیدا می‌کند؛ زیرا نیاز به عدالت ناشی از نبود محبت است (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ص ۲۱۷).



داشتن محبت، مطلوب خداست؛ چنان که یاران حضرت عیسی به خاطر رأفتشان ستوده شدند: ﴿وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً﴾ (حدید، ۲۷)؛ پس، نداشتن محبت، انسان را از کمالات انسانی دور، و عطوفت و مهربانی به کمال نزدیک می کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲: ص ۲۹۳).

وجود الفاضلی نظیر مشتقات «حُبِّ» (بقره، ۱۶۵) و «وُدِّ» (مریم، ۴۳) در آیات قرآن کریم، به سطح عاطفی و اهمیت و تأثیر آن بر روابط اجتماعی اشاره دارند. بر اساس آیات، منشأ محبت مؤمنان در دل دیگران، خداست؛ بدون اینکه به ابزارهایی مانند خویشاوندی و دوستی نیاز باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱: ص ۵۶۸).

رویکرد معاشرتی محبت، در تعالیم انبیا چنان بوده که بعد از تقویت آگاهی و شناخت افراد عصر خویش، برای تحریک عواطف و گرایش آنان به حق کوشش کرده اند. قرآن کریم، حضرت ابراهیم علیه السلام را الگوی محبت و مدارا، حتی با مخالفانی مانند عموی بت پرستش معرفی می کند. خطاب عاطفی و محترمانه «یا أَبَتِ» (مریم، ۴۴) و دعای «سَلَامٌ عَلَیْكَ» (مریم، ۴۷) هنگام جدایی، نشان دهنده اوج مهرورزی توحیدی ایشان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸). رویکرد محبت آمیز حضرت موسی علیه السلام، به جای خشونت کلامی، در برابر ظالم ترین دشمنان برای هدایت او نیز از این قسم است. این موارد، تأثیر اعتقاد به توحید است و اقدامی کاملاً فعال و برآمده از فرایندی فکری و آگاهانه برای مدیریت چنین موقعیت هایی؛ به طوری که فرد آسیبی به خود نزده و طرف مقابل را هم برای انتقام تحریک نکرده است، بلکه شرایطی را برای تفکر مجدد و جلب محبت او فراهم کرده است.

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غذاخوردن با فقیران، مهمان نوازی ایشان و مدارا و مهربانی با مردم (رسولی محلاتی، بی تا، ج ۲: ص ۲۰۴) نیز بیانگر پیوند عاطفی حضرت با دیگران و الگویی کامل برای جامعه است؛ چنان که در آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیا، ۱۰۷) بیان شده است.



بنابراین، اعتقاد به توحید در معاشرت، ضمن تقویت شناخت افراد از طریق محبت، گرایش آنان را به پذیرش حق و رعایت اخلاق اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد تا در معاشرت با دیگران، متواضعانه و بدون تکبر رفتار کنند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۶). چنین کسی اهل عفو و بخشش است؛ چون باور دارد: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (بقره، ۲۳۷). او اهل همدلی و هم‌دردی است؛ زیرا می‌داند: «مثل المؤمنین فی توادهم وتراحمهم وتعاطفهم مثل الجسد، إذا اشتكى منه عضو، تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى؛ مؤمنان در محبت، رحمت و شفقت به یکدیگر مانند یک پیکرند، اگر عضوی از آن بیمار شود، سایر اعضای بدن، درد و تب می‌کنند» (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶، ص ۴۲۶).

افزون بر این، محبت توحیدمحور باعث تقویت سرمایه اجتماعی بر پایه اعتماد و اخوت است تا افراد با پایبندی به اصل «همه انسان‌ها یا برادر دینی‌اند یا برابر در آفرینش»^۱ (نهج البلاغه، ۴۲۷)، نتیجه «دوست‌بدار برای برادرت، آنچه برای خود می‌پسندی»^۲ (نهج البلاغه، ۳۱) را در تعاملات خویش به کار گیرند؛ به همین دلیل، ارتباط فرد موحد با دیگران، رابطه طبیعی اجتماعی صرف نیست، بلکه سرشار از محبت و همدلی و حتی دیدن خدا در مخلوقات است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِيَّايَ زُرْتُ وَتَوَائِبُكَ عَلَيَّ وَكُشْتُ أَرْضِي لَكَ ثَوَاباً دُونَ الْجَنَّةِ؛ هر که برای رضای خدا برادرش را زیارت کند، خداوند متعال می‌فرماید: به زیارت من آمدی و پاداش تو بر من است و من به پاداشی کمتر از بهشت برای تو راضی نمی‌شوم» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۱: ص ۳۴۲).

چنین کسی اهل ایشار است، او رزاقیت خدا را پذیرفته و لذا نواقص ایمانی خود را از طریق عمل صالح بخشش و ایشار در زمان احتیاج جبران می‌کند؛ مانند

۱. «إِنَّمَا أُخِ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِنَّمَا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ».

۲. «فَأَخْبِ لِعَیْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تُكْرَهُ لَهَا».



ایشان انصار مدینه در اوج فقر به مهاجرین (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۰۶). این فرد در سطح شناختی به این باور رسیده که در برابر گرفتاری دیگران مسئول است و می‌داند در مسیر کمک به نیازمندان در شرایط سخت، باید وظیفه خود را انجام دهد و نتیجه را به خدا واگذار کند.

این شناخت، گرایش همدلی با دیگران را در او دوچندان می‌کند و محبت و بخشش او، علاوه بر آنکه مایه شادی دیگری می‌شود، برای خودش نیز نشاط‌آور است. این گونه است که محبت، از یک فضیلت فردی فراتر رفته، به سازه‌ای برای تحکیم توحید اجتماعی تبدیل می‌شود. محبت و همدلی توحیدمحور، رویکردی کاربردی و قابل ترویج نیز در جامعه معاصر ایجاد می‌کند:

- در نهاد خانواده: ترویج «منشور اخلاقی خانواده» بر اساس سفارش‌های قرآن و حدیث، با محوریت محبت و احترام متقابل؛

- در محیط‌های کاری: اجرای برنامه‌های «همدلی سازمانی» و «افزایش سرمایه اجتماعی» در شرکت‌ها و ادارات؛

- در عرصه بین‌المللی: ارائه «الگوی دیپلماسی توحیدی» بر پایه عزت، حکمت و مصلحت؛ به گونه‌ای که در عین قاطعیت، با احترام و نرمش همراه باشد.

بنابراین، بُعد کاربردی محبت در جامعه امروز بر پایه اعتماد و اخوت است. زمانی که محبت، منشأ الهی داشته باشد، پایدار، عام و بی‌شائبه است و به دوستان و خویشاوندان محدود نمی‌شود.

این امر به کاهش فاصله‌های طبقاتی، نژادی و مذهبی و تقویت روحیه گذشت و فداکاری در جامعه منجر می‌گردد.

الگوی عملی این مفهوم را می‌توان در ایجاد نهادهای خیریه و مردمی برخاسته از انگیزه‌های الهی، ترویج فرهنگ عیادت از بیماران و تنهاییان و گسترش روحیه صلح و مدارا با غیرهم‌کیشان نیز جست‌وجو کرد.



۳.۲. رویکرد قرآن کریم به تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی در سطح کنشی با تکیه

بر تعالیم انبیا

کنش، کردار است (دهخدا، ۱۳۷۷، مدخل کنش) و در عربی «فعل» و کنایه از هر عملی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۵۲۸). در پژوهش حاضر، انجام دادن فعل، کنش اخلاقی است که متشکل از عناصر درونی یعنی نیت و انگیزه الهی (حسن فاعلی) و عناصر بیرونی یعنی عمل صالح (حسن فعلی) است؛ لذا هریک به تنهایی، کنش اخلاقی نیست. در واقع، سطح کنشی، تجسم عینی و عملی بینش و عاطفه حاصل از سطح شناختی و عاطفی در قالب رفتارهای اجتماعی، و نمود عینی توحید در جامعه است.

بر اساس آیات قرآن کریم و تعالیم انبیا، کنش اخلاقی برخاسته از جهان‌بینی توحیدی است و می‌توان آن را بر پایه سه رکن، نیت و اخلاص^۱، عمل صالح (التزام عمل به احکام)^۲ و توجه به نتیجه اخروی عمل^۳ تعریف کرد. دو سطح شناختی و عاطفی در اخلاق معاشرت، تنها به تقویت شناخت، در ارتباط با جوانب آن و ایجاد زمینه گرایش به انجام آن در فرد می‌پردازند؛ ولی وقتی سخن از سطح کنشی اخلاق معاشرت اجتماعی است، محور آن، روابط اجتماعی انسان با دیگران است؛ زیرا اجتماعی زیستن، به عنوان یک فعل اختیاری، موضوعی اخلاقی است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ج ۳: ص ۲۷). صرفاً اجتماعی زیستن، ارزش ذاتی ندارد، بلکه گرایش به این زندگی به سبب وجود عواملی چون غریزه، عواطف و عوامل عقلی است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ج ۳: صص ۳۰-۳۱) و اگر سه رکن ذکر شده در تعریف را داشته باشد، دارای ارزش است.

بنابراین، اعتقاد به توحید، پس از عبور از دو سطح شناختی و عاطفی، با تأثیر مستقیم باور و گرایش بر تعاملات انسانی، فرد را به عالی‌ترین سطح فرایند اخلاق معاشرت (یعنی رفتار توأم با آگاهی و گرایش توحیدی) می‌رساند.

۱. «مُخْلِصِينَ» (بینه، ۵)، «لِيُؤْجِهَ اللَّهُ» (انسان، ۹).

۲. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد، ۳۳).

۳. «وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ» (نحل، ۹۷).



در این پژوهش، با استناد به آیات قرآن کریم و با تکیه بر تعالیم انبیای الهی، تجلی توحید در اخلاق معاشرت اجتماعی در سطح کنشی، از بین کنش‌های متعدد، تنها سه محور مسئولیت‌پذیری، عدالت و انصاف، و صبر و بردباری به‌عنوان کنش‌های شاخص‌تر بیان شده است:

۲.۳.۱. پابندی به مسئولیت‌پذیری

مسئولیت یعنی آنچه انسان، عهده‌دار و مسئول آن باشد (معین، ۱۳۸۱، مدخل مسئولیت). اعتقاد به توحید، انسان دارای کرامت را خلیفه خدا در زمین معرفی می‌کند. او در قبال خود، دیگران و جامعه مسئول است. قرآن کریم، حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را با صفات «مَکِينٌ امِينٌ» و «حَفِیْظٌ عَلِیْمٌ» (یوسف، ۵۴-۵۵) معرفی می‌کند که نشانه امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری ایشان در بالاترین مقام اجرایی است. ایشان در اوج قدرت، اموال مردم را حفظ می‌کند و به فکر تأمین اجتماعی، در دوران قحطی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ص ۲۰۰)؛ زیرا امانت، سرمایه اصلی جامعه انسانی و علت ارتباط مردم با یکدیگر و انضباط در معیشت و آخرت آن‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳: ص ۱۷۴). همچنین، سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در بازگرداندن امانت‌های مشرکان مکه، قبل از هجرت به مدینه، نمونه بی‌بدیل مسئولیت‌پذیری اجتماعی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ص ۱۰۷). در این حالت، مسئولیت‌پذیری، یک تکلیف خشک اخلاقی محسوب نمی‌شود، بلکه سلوکی معنوی است که روابط انسان‌ها را به عبادتی پویا و پرثمر تبدیل می‌کند.

مسئولیت‌پذیری در فرد موحد نیز از شناخت توحید و عواطف انسانی سرچشمه می‌گیرد و در قالب رفتارهای هدفمند و اخلاقی متبلور می‌شود؛ زیرا او را از یک فرد منحصرأ وظیفه‌شناس یا قانون‌مدار متمایز می‌کند. او معتقد است خداوند به مسئولیت‌هایش جهت می‌دهد. کار کردن برای او نه فقط راه کسب درآمد، بلکه تکلیف الهی است. صداقت در معامله را نه فقط برای جلب اعتماد مشتری، بلکه اطاعت از فرمان خدا می‌بیند که: ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ﴾ (انعام، ۱۵۲). کمک به دیگران را نه برای خودنمایی، بلکه



برای جلب رضایت خدا انجام می‌دهد؛ زیرا: ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾ (سبأ، ۳۹).

در این حالت، حتی اگر دیگران از او قدردانی نکنند و نتیجه مطلوب به دست نیاید، دل‌سرد نمی‌شود؛ زیرا رضایت خدا را ملاک قرار داده است. پابندی به مسئولیت‌پذیری، یک رویکرد کاربردی قابل ترویج در جامعه معاصر ایجاد می‌کند:

- در نظام حکمرانی: نهادهای فرهنگی «پاسخ‌گویی و شفافیت» در تمام سطوح مدیریتی بر اساس الگوی قرآنی «امین بودن»؛
- در مشاغل مختلف: طراحی «منشور اخلاق حرفه‌ای» برای هر شغل (از پزشکی تا رانندگی) با استناد به آیات و روایات مربوط به امانت‌داری؛
- در اجتماع محلی: راه‌اندازی «پویش‌های مردمی مسئولیت‌پذیری» مانند «همسایه مهربان» یا «محله امانت».

فرد معتقد می‌داند مسئولیت‌پذیری در دنیای امروز ممکن است خسته‌کننده و طاقت‌فرسا باشد؛ اما چون در کنار تلاش بسیار، به خدا توکل می‌کند، نتیجه را نیز به او می‌سپارد. حتی با وجود شکست، دچار اضطراب و ترس نمی‌شود: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق، ۳) و در شرایطی که احساس مسئولیت او ضعیف شود، شناخت حاصل از اعتقادش به نظارت خدا، احساس و وجدان اخلاقی او را تقویت می‌کند. این نظارت، نظارت مبتنی بر آگاهی و حضور است، نه ترس و مؤاخذه؛ از این رو، مسئولیت‌پذیری او در خلوت و جلوت یکسان است و اگر در مسئولیت خود کوتاهی کند، مسیر توبه را برای خود باز می‌داند.^۱ درحالی که برای فرد غیرمعتقد، مسئولیت‌پذیری صرفاً یک قرارداد اجتماعی یا ویژگی شخصیتی است و اگر قانون و نظارتی در کار نباشد به راحتی نقض می‌شود؛ از این رو، همیشگی و دارای نظارت تقوایی نیست و امکان خیانت در شرایط خاص، مانند خلوت و نبود نظارت مادی (مثل دوربین، پلیس، مدیر و ناظر) در آن وجود دارد.

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾ (زمر، ۵۳).



۲.۳.۲. پایبندی به عدالت و انصاف

عدالت یعنی برابری (ابن فارس، ۱۳۸۷، ج ۴: ص ۲۴۶) و دادن حق به صاحبان حق (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۳۶) و حق، چیزی است که باید به صاحب حق داده شود؛ پس عدالت واجب است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۳: ص ۱۲۹).

شکل گیری زندگی اجتماعی از یک سو، منوط به دستیابی همه افراد به مصالح مادی و معنوی خود است و از سوی دیگر، قوام حقیقت حیات انسانی به شاخص عدالت است. عدالت، عام ترین مفهوم و قطعی ترین ارزش در زمینه اخلاق اجتماعی است و انکار ارزش آن، به انکار اصالت اخلاق برمی گردد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۳: صص ۴۳-۱۲۱)؛ تا جایی که عدالت و انصاف در معاشرت، نتیجه طبیعی باور به توحید معرفی می شود (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ص ۹۵).

زندگی افراد در جوامع بشری ظاهراً شکل یکسانی دارد و موحد و مشرک در پی تأمین نیازهای مادی خویش هستند؛ اما دو نوع نگرش کاملاً متفاوت در بین آنها حکم فرماست که روش ها را تغییر می دهد و اهداف زندگی افراد و حاکمان را در حیات اجتماعی متفاوت می کند. نگرش گروهی، توحیدی و نگرش عده ای مشرکانه است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰).

بینش و نگرش فرد معتقد به توحید، در برابری و دادن حق دیگران، توحیدی شده است؛ از این رو، با انگیزه توحیدی به احقاق حقوق دیگران در عمل می پردازد. عدالت ورزی او در نظام تکوین ریشه دارد و اساساً با حقیقت و اراده الهی شکل گرفته است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ص ۱۰۳) و مبنای آن یگانگی خدا و هدف آن تحقق برابری بر اساس دستورات خداوند و در نهایت، بندگی و قرب الهی است.

بر اساس آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل، ۹۰)، اعتقاد به توحید در سه شکل برای فرد تجلی پیدا می کند: در نگاه که همه انسان ها به یک چشم، فارغ از



تفاوت‌های ظاهری دیده شوند (شوری، ۱۵؛ اعراف، ۲۹)؛ در گفتار که پرهیز از هرگونه تبعیض و پیش‌داوری در کلام است (انعام، ۱۵۲) و در رفتار که رعایت حقوق دیگران در عمل است (نساء، ۵۸؛ حجرات، ۹؛ بقره، ۲۸۲). به همین دلیل، نادیده گرفتن قسط و عدل، مخالفت با نظام طبیعی و اهمیت دادن به آن، هماهنگی با نظام هستی است.

با این نگاه، رعایت عدالت در معاشرت توحیدمحور، به حیطة زندگی اجتماعی مسلمانان محدود نمی‌شود و آنان باید با نامسلمانانی که به آن‌ها ستم نکرده‌اند، از هر نژاد و مذهب با عدالت رفتار کنند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۴)؛ زیرا رعایت احکام و دستورات الهی که امری ثابت است، ملاک تشخیص عدالت است. تنها دلیل آن هم ارتباط عدل الهی از یک سو، با اصل ایمان به خدا و از سوی دیگر، با موضوع معاد و پاداش و جزاست؛ بدین ترتیب، بازتاب این اصل در مسائل اخلاقی قابل انکار نیست (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۹).

در مقابل، عدالت غیر توحیدی (به عنوان فضیلت اجتماعی)، اصلی است که با تفکر لیبرالی غرب تناسب دارد و بر مبنای نظریه اخلاقی فلسفی (هیوم، میل، استورات و آدام اسمیت) تحت تأثیر منفعت گرایی است که توانسته در زمینه عدالت و ساختار اجتماعی تأثیرگذار باشد (ر.ک: رالز، ۱۳۸۶، صص ۹-۴۹)؛ لذا مبنای آن، مادی گرایی و انسان گرایی و هدف آن، رفاه دنیوی و برابری مادی، بدون توجه به جنبه معنوی آن است و به تناسب شرایط، نسبی و متغیر است.

تجلی اصل عدالت در تعالیم انبیا با هدف بعثت آنان هم سو است: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا... لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید، ۲۵). حضرت شعیب علیه السلام با امر به رعایت کیل و وزن و نهی از کم فروشی، قیام برای رعایت عدالت اقتصادی را تکلیف عمومی قرار داد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۳۶۲) و فرمود: ﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾ (هود، ۸۵). از حضرت موسی علیه السلام به عنوان نماد مبارزه با بت‌های مادی نظیر گوساله سامری (طه، ۸۸؛ بقره، ۵۴) و ثروت فرعون (قصص، ۴)، و بت‌های اجتماعی نظیر نظام‌های طبقاتی، ظلم و بی عدالتی فرعون یاد شده است



(حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۴۹). قانون قصاص که آن حضرت برای بنی اسرائیل آورد^۱ و نفی نژادپرستی و دفاع از مظلوم (در ماجرای دفاع از مرد مستضعف بنی اسرائیلی در مقابل مرد قبطی قوم فرعون^۲) نشان‌دهندهٔ بینش و گرایش ظلم‌ستیزی توحیدی و عدالت‌محوری حضرت در همهٔ معضلاتی است که طی مسیر هدایت الهی دامن‌گیر ایشان شد.

پایبندی به عدالت و انصاف، یک رویکرد کاربردی قابل ترویج در جامعهٔ معاصر ایجاد می‌کند:

– در نظام قضایی: تلاش برای «عیب‌یابی و اصلاح قوانین» به‌منظور کاهش شکاف میان عدالت قضایی و عدالت اجتماعی؛

– در رسانه و هنر: تولید آثار هنری فاخر که «قیام برای قسط» را به‌عنوان یک ارزش دینی و ملی به تصویر بکشد؛

– در کنش اجتماعی: حمایت از «نهادهای مردمی نظارت بر عدالت» که به‌صورت مسالمت‌آمیز بر عملکرد نهادهای حاکمیتی نظارت دارند.

بنابراین، پایبندی به عدالت و انصاف، جزو محور کنشی و رفتاری اخلاق معاشرت توحیدی است. در جامعهٔ امروز که با معضلاتی مانند شکاف طبقاتی، تبعیض و انتشار اخبار کذب در فضای مجازی روبه‌روست، بازتعریف عدالت، به‌عنوان یک برنامهٔ عمل فردی و اجتماعی، ضرورتی انکارناپذیر است. راهکارهای مبارزاتی انبیا، مسیرهای عملی برای تبدیل این اصل دینی به رفتارهایی ملموس در جهان مدرن هستند.

۳.۲.۳. صبر و بردباری

صبر، بازداشتن نفس (ابن‌فارس، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۲۹) و خویش‌داری هنگام سختی‌هاست (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۴). استقامتی است در قلب که موجب می‌شود انسان

۱. ﴿وَكُتِبَتْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ﴾ (مانده، ۴۵).

۲. ﴿فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ﴾ (قصص، ۱۵).



بتواند کنترل نفس خود را به دست گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۱۴۱). قرآن کریم صبر را ایمان و عمل می‌داند. در اجتماع که تعارض منافع، تفاوت‌ها و آزارها وجود دارد، بدون صبر، پابندی به اصول اخلاق توحیدی ناممکن است. فضیلتی که جایگاه آن به منزله سر برای بدن است؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۴، ص ۶۸). استعانت از صبر، فرمان خدای متعال است: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ﴾ (بقره، ۴۵). اهمیت صبر فقط به خاطر رفع دشواری‌های زندگی نیست، بلکه به علّت صبغه توحیدی آن است؛ به نظر آیت‌الله جوادی آملی:

انسان صابر، سختی حادثه را از این جهت تحمل می‌کند که مدیر و مدبّر جهان بر اساس نظام احسن عمل می‌کند و سمت افعال خدا به سود مجموع است، نه جمیع؛ گاهی مصلحت شخص سانحه‌زده هماهنگ با مصلحت مجموع نظام است و زمانی نیست. صابر با بینش توحیدی، مصلحت شخصی خویش را قربانی مصلحت عمومی نظام آفرینش می‌کند؛ از این رو، صبر به منزله سر پیکر ایمان است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۹۳). فرد موحد می‌داند فقیر محض است و تنها راه تقرب به خدا، اطاعت از اوست که صبر، مصداق آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶۲). عالی‌ترین مصداق صبر، پاسخ نیک دادن به بدی است: ﴿السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِأَتْيِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (مؤمنون، ۹۶).

انبیای الهی، به استناد آیه ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ﴾ (هود، ۱۱۲)، مصداق اتم این فضیلت هستند. قرآن کریم بارها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خواهد به صبر پیامبران اولوالعزم اقتدا کنند: ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ﴾ (احقاف، ۳۵)؛ دستور به صبر در برابر اعتراضات و گفته‌های مشرکان درباره مبدء از نمونه‌های آن است: ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾ (ق، ۳۹) (جوادی آملی، ۱۳۹۵).

صبر حضرت ایوب علیه السلام در برابر ابتلائات^۱ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۱۱)، صبر حضرت یوسف علیه السلام بر آزار و زندان، صبر حضرت موسی علیه السلام بر ناسپاسی قوم بنی اسرائیل

۱. ﴿إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا﴾ (ص، ۴۴).



و صبر انبیایی چون اسماعیل، ادریس و ذوالکفل علیهم السلام در برابر محنت‌های بزرگ و بلاها، نمونه‌های شاخصی در همراهی صبر و اطاعت است که قطعاً جزو رفتار توحیدی آنان بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۹۴).

باور به توحید، این ینش را ایجاد می‌کند که در اجتماع پیچیده امروز، صبر و استقامت به‌عنوان کلیدی‌ترین فضیلت اخلاقی عمل می‌کند و زمینه‌ساز فضایل اخلاقی دیگر است و اعتقاد توحیدی را به گرایش و اخلاق اجتماعی به‌عنوان کنش ناشی از آن، تبدیل می‌کند. با این بیان، محور صبر، یک انتخاب آگاهانه، در مقابل واکنش نادرست است. صبر و بردباری، رویکردی کاربردی قابل ترویج در جامعه معاصر ایجاد می‌کند:

- در حوزه سلامت روان: ترویج «مهارت صبر» به‌عنوان یک راهبرد مقابله‌ای سالم در برابر بحران‌های زندگی، در قالب کارگاه‌های آموزشی؛

- در عرصه علمی و فناوری: ترویج فرهنگ «صبر و استقامت برای دستیابی به فناوری‌های راهبردی» و دوری از شتاب‌زدگی؛

- در گفتمان اجتماعی: تبدیل صبر از یک فضیلت منفعلانه به یک «قدرت فعال و راهبردی» برای پیشبرد اهداف کلان جامعه.

بنابراین، تعالیم انبیا صبر را عاملی برای تداوم رسالت و تحکیم پیوندهای اجتماعی نشان می‌دهد. در جامعه معاصر که با شتاب‌زدگی و تحریک‌پذیری روبه‌روست، بازیابی تعریف صبر، به‌عنوان یک قدرت کنشی و هوشمندانه، ضرورتی انکارناپذیر است؛ به همین دلیل، نیک‌اندیشی در امور، تقویت روابط اجتماعی و حل اختلافات را جایگزین توهین، تحقیر، تمسخر و خشونت کلامی می‌کند.

راهکارهای انبیا در موقعیت‌های متفاوت، مسیرهای عملی برای تبدیل این اصل دینی به رفتارهایی صحیح در جهان مدرن هستند.



نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد توحید به عنوان یک نظام معنابخش، تنها به عرصه فردی محدود نیست و بالذات دارای پیامدهای اجتماعی عمیق است. یک الگوی ارتباط اجتماعی در صورتی موفق است که با ساختار فطری توحیدی انسان هم‌سو باشد. بعثت انبیا تنها الگوی فطری مناسب با این ساختار است؛ زیرا توحید، به عنوان مؤلفه اصلی دعوت انبیا، نقش مهمی در معاشرت اجتماعی آنان داشته است. تجلی توحید در اخلاق معاشرت در قالب یک فرایند سه سطحی (شناخت، عاطفه، کنش) صورت می‌پذیرد. این سه سطح، ارکان تحقق توحید در اجتماع هستند. جامعه‌ای که در آن کرامت ذاتی انسان‌ها مبنای قوانین است، عدالت‌مدار است. محبت الهی محرک او برای بروز محبت و همدلی با دیگران است. مسئولیت‌پذیری در برابر خدا، ضامن اجرای حقوق دیگران است و توکل، پشتوانه مبارزه با ظلم است که باید با صبر و استقامت همراه شود.

این پژوهش، یک الگوی عملیاتی برای خانواده‌ها، نظام‌های آموزشی و نهادهای فرهنگی ارائه می‌دهد تا با تمرکز هم‌زمان بر این سه سطح، نسلی را تربیت کنند که رفتار اجتماعی آنان، برآمده از عاطفه‌ای الهی و بینشی توحیدی باشد و روابط اجتماعی سالم و بهتری را در تعامل با دیگران داشته باشند. انجام پژوهش‌های میدانی و پیمایشی برای عملیاتی‌سازی مدل سه‌بعدی ارائه‌شده و تبدیل آن به شاخص‌های کمی، مانند طراحی پرسش‌نامه‌ای که سطح «عدالت‌ورزی به قصد قربت» یا «میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی با انگیزه دینی» را در یک جامعه نمونه بسنجد، ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه (صبحی صالح).

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالی اللثالی الغریزیه فی الاحادیث الدینیة.

قم: مطبعة سيد الشهداء.

ابن فارس، احمد. (۱۳۸۷). معجم المقایس اللغة. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

ابن کثیر، اسماعیل. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (محقق: محمد حسین شمس الدین).

بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.

انصاریان، حسین. (بی تا). تفسیر حکیم. قم: دار العرفان.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (۱۳۸۷). معارف قرآن (چاپ

چهارم). تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

تمیمی آمدی، عبد الواحد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر

تبلیغات اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). تفسیر تسنیم (چاپ سوم). قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). دروس تفسیر (تفسیر سوره مریم، جلسه ۲۶)، در: وبگاه بنیاد

بین المللی علوم و حیانی اسراء (<https://esra.ir>).

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). جامعه در قرآن (چاپ سوم). قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). دروس تفسیر (تفسیر سوره ق، جلسه ۱۸)، در: وبگاه بنیاد

بین المللی علوم و حیانی اسراء (<https://esra.ir>).

حاجی رحیمی، طاهره؛ محیطی اردکانی، علی. (۱۴۰۱). تأثیر اعتقاد به توحید در خالقیت بر

اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی. فصلنامه پژوهش نامه اخلاق، ۱۵ (۵۸)،

صص ۱۱۷-۱۳۴.





- حرانی، ابن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ (چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۷). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن (چاپ شانزدهم). تهران: انتشارات مؤسسه ایمان جهادی.
- حسینی همدانی، سید محمد. (۱۴۰۴ق). انوار درخشان (محقق: محمدباقر بهبودی). تهران: کتاب فروشی لطفی.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۶۶). دانشنامه عمومی. تهران: انتشارات مؤسسه پیک و ترجمه و نشر.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ انصاری، مسعود. (۱۳۷۶). پیام پیامبر. تهران: منفرد.
- خوانساری، جمال‌الدین. (۱۳۶۶). شرح بر غرر الحکم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. لبنان، سوریه: دار العلم، الدار الشامیه.
- رالز، جان. (۱۳۸۶). از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی (مترجم: احمد واعظی، چاپ دوم)، قم: بوستان کتاب.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. (بی‌تا). ارشاد (چاپ دوم). تهران: اسلامیه.
- سیوطی، عبدالرحمان. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا ﷺ. تهران: جهان.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم-پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اسماعیلیان.
- طبرسی، رضی‌الدین. (بی‌تا). مکارم الاخلاق (محقق: محمد الحسین الاعلمی). بی‌جا: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (محقق: محمدجواد بلاغی، چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.



- طوسی، نصیرالدین. (۱۴۱۳ق). *اخلاق ناصری*. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- فخر رازی، محمد. (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب* (چاپ سوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل. (۱۴۰۹ق). *العین* (چاپ دوم). قم: هجرت.
- فیض کاشانی، محمد. (۱۴۱۵ق). *تفسیر صافی*. تهران: الصدر.
- فیومی، احمد. (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*. بیروت: مکتبه العلمیة.
- کاویانی، محمد؛ پناهی، علی احمد. (۱۳۹۵). *روان شناسی در قرآن* (چاپ ششم). قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- مجتبوی، سید جلال الدین. (۱۳۷۷). *علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)* (چاپ چهارم). تهران: حکمت.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمود، عبدالحلیم. (بی تا). *فی رحاب الـکون مع الانبیاء و الرسل* (چاپ سوم). بی جا: دار المعارف.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰). *فلسفه اخلاق* (محقق: احمد حسین شریفی). قم: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). *اخلاق در قرآن* (چاپ دوم). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *زندگی جاوید و حیات اخروی*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). *آزادی معنوی* (چاپ پنجاه و هشتم). تهران: صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: فردوس.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
نراقی، احمد. (۱۳۷۷). معراج السعادة (چاپ پنجم). قم: هجرت.
نصرتی، شعبان. (۱۳۹۶). معنانشناسی قلب در قرآن. قم: فروغ فردا.

